

مسجد شیخ لطف الله

بقلم پروفیسور پوپ

سلاطین بزرگ و مردان نامی در جریان قرون همیشه ابنیه و آثاری از خود باقی گذاشته اند که هم اسم و شهرت آنان را جاوید و پایدار دارد و هم مورد استفاده عموم باشد. بدیهی است بنای این آثار بزرگترین استادان و صنعتگران زمان را بکار داشته و بهترین نمونه صنایع و هنر عصر را بیادگار گذاشته است. مخصوصاً در مشرق زمین که صنایع ظریفه بحد کمال رسیده بود و همیشه شرفی ها استاد هنر و صنایع محسوب میشده اند این اصل محسوس تر و هر صفحه از تواریخ مشرق با صد ها از این قبیل ابنیه و آثار مسطور و مشحون میباشد.

باید دانست که این فکر ایجاد و تاسیس اغاب با اصل فساد و تخریب و پادسترد زمان توام بوده و بسا سلسله ها و حکومتی های لاحق که آثار گذشتگان و ناهای تاریخی را اثیه کهن و مندرسی بنداشته از روی غفلت و سستی و با عمل دیگر آثار را محو ساخته اند. خوشبختانه امروز با ترقیات روز افزون وزارت معارف، هر روز با مخارج زیاد و اقدامات جدی ابنیه قدیم و آثار ملی ما تعمیر میشود و عماراتی که سالها متروک و از خاطره ها فراموش شده بود دوباره سر و صورتی گرفته بکانونهای علم و ادب و مراکز درس و بحث تبدیل میگردد. راستی بهترین معمار و مهندس در حفظ این آثار و ابنیه همان تاسیس مراکز علمی و اجتماعی در این قبیل موسسات است که بنفسه بهترین معمر و ترمیم کننده دائمی و ابدی آن خواهد بود، زیرا تعمیرات بقاء عمارتی هر چند هم بدقت و تکمیل انجام گیرد هر گاه خود بنا مرکز و محل اجتماع و استفاده نباشد آن تعمیر و مرمت باهمه اثر و رونق خود آبی بوده چیزی نخواهد گذشت که چون خانه غیر مسکونی پس از چندی دوباره فراموش و دستخوش ویرانی خواهد گردید.

از جمله آثاری که اخیراً در اثر اقدامات و مساعی وزارت معارف تعمیر گردیده و اینک سر و صورتی بخود گرفته مسجد شیخ لطف الله است. پروفیسور پوپ مستشرق معروف امریکائی و متخصص در صنایع ظریفه ایران که اخیراً برای مطالعه و عکس برداری از ابنیه تاریخی ایران با این سرزمین مسافرت نموده در کتاب و صنایع ایران^۱ در توصیف این مسجد که در واقع از بزرگترین افتخارات تاریخ و صنایع ظریفه است چنین مینویسد:

مسجد شیخ لطف الله در اوایل قرن هفدهم میلادی با امر شاه عباس صفوی بنا گردید. در این نقطه قبلاً مسجدی از ایام قدیم وجود داشته ولی وضع این محل که درست در طرف مشرق میدان شاه و در مقابل دربار سلاطین صفوی میباشد شایسته بنائی بهتر و زیباتر بوده است و بهمین نظر شاه عباس مسجدی جدید در این نقطه بنا نمود و آنرا بنام پدرزن خود که در آن ایام از علمای بزرگ مذهب شیعه بشمار میرفت بمسجد شیخ لطف الله موسوم کرد. البته این مسجد بدربار صفوی نزدیک و مابین آن و عالی قاپو تنها عرض میدان فاصله



دورنمای مسجد شیخ لطف الله

بود. مسجد شیخ لطف الله در واقع عبادتگاه خاص سلطان محسوب میشد و شاه عباس تمام مدت حیات هم هر روز نماز اینجا میگزاشت. جهت میدان شاه اصفهان شمالی جنوبی و چون جهت قبله بطرف جنوب غربی است دالان ورودی و رواقهای اطراف مسجد بنحوی بنا شده که در توجیه قبله انحراف بنا نسبت بمیدان بهیچوجه محسوس نیست و این خود یکی از شاهکارهای معماری عهد صفوی میباشد. حیات مسجد طوری قرار گرفته که يك و تراز بدر میدان عمود و البته و نزدیک موازی است و بالتیجه بجای آنکه

با فضای میدان دريك جهت باشد نسبت بدان متمایل است. دالان ورودی از مقابل در مسجد با زاویه وسیعی بطرف چپ دور زده و از گوشه شمال غربی گذشته بوسط ضلع شمال شرقی یعنی در شیبستان و درست مقابل محراب منتهی میشود. همین اصل ساده در توجیه دالان نسبت بموقع مسجد چنان با مهارت و زیر دستی انجام گرفته که اختلاف هرگز محور مسجد نسبت بمحور صحن آن بکلی مستور و از نظر محو میباید. در خارج مسجد نیز همین طراحی با استادی و مهارتی شایان بکار رفته زیرا نظر بوضع بنای مسجد نسبت بمیدان اینجا ظاهراً بایستی در ورودی در امتداد ضلع میدان شاه باشد و دیوار قبله با همین ضلع تشکیل زاویه دهد، در سورتیکه چنین نیست و طاق نماهای اطراف این زاویه را محو ساخته، معماران زبردست عهد صفوی انحراف خارج بنا را نیز در زیر این پرده مهارت و استادی مستور نموده اند.

جدار داخلی بنا از هشت طاق تشکیل شده. حاشیه طاقها فیروزمای و متن آنها آبی سیر و کاشیهای معرق و در وسط کتیبه هائی بخط سفید و بسیار زیبا و شفاف آثار انگلستان هنرمند علیرضای عباسی را نشان میدهد. طاقهای زوایای بنا در واقع حایل سقف میباشد ولی این عمل نیز نظر بوسعت فضا و انحناى تدریجی گنبد چندان نمایان نیست و با همه اهمیت این قسمت در استحکام بنا فرق ظاهری بین اینها و طاقهای مجاور مشاهده نمیشود. بدین نحو در وسط قسمت بالای هر (طاق) حایل و طاق مجاور آن مثلثی معکوس تشکیل میگردد. طاقها تیکه در بالای حایلها قرار گرفته در واقع حایلهای ثانوی محسوب میشود و جدار بنا را با انحناى بسیار ملایمی به کله گى گنبد نزدیک و ملحق مینماید. حاشیه دیوارها و داخل طاقها از بهترین کاشیهای الوان عهد صفوی است ولی با همه ظرافت در مقابل کاشیهای معرق نما و جلوه ای ندارد. گوئی این جمادات بی جان هم از انصاف فروگذار نکرده و با چنان زیبایی و لطف در برابر رقیبان خود اعتراف بعجز و قصور نموده روی خود را با دست شرم و خجالت پوشانیده اند و وسط طاقهای حایل نیز با گلهای بزرگ از بهترین کاشیهای معرق قرن ۱۷ میلادی تزئین گردیده که چشم هر بیننده را خیره میسازد. این کاشیهای نفیس مانند نکیتهای گرابها

در زمینه کاشی الوان میدرخشد و حقا همین احساس تنوع و تضاد بر ظرافت و ظنکی آنها در انظار میافزاید و بهترین حس زیبایی و جمال را تحریک و تولید میکند. داخل طاق گنبد نیز بسیار زیبا و ظریف و متن آن شاخ و برگ و در وسط آنها ستاره های طلائی رنگ دسته دسته گرد هم حلقه زده اند. راستی بیننده ای که بدو چشمش بدیوارهای لاجوردی بنا آشناسده همینکه سر بلند نموده طاق با عظمت و ستارگان شفاف آنرا مشاهده کند بی اختیار می پندارد طاق گنبد نیلی را بر این رواق بلند گسترده اند. نقش زمینه طاق مانند نقوش مسجد است و بی شباهت بزمنه قالیهای اردبیل نیست. متن لاجوردی جدارها از نقوش لوزی مانند تشکیل شده و داخل هر یک از اینها یک گل بزرگ مشاهده میشود.

طرز روشنایی بنا نیز خالی از اهمیت نیست. در فواصل معینی از طاق سوراخهایی بطرف خارج تعبیه گردیده و دو دهانه آنها را پنجره های از کاشی مشبک و بسیار ظریف فرا گرفته است. شعاع آفتاب چون انوار آسمانی از داخل این شبکه ها تجزیه و بدیوارهای بنا منعکس گردیده مانند ذرات شبنم بداخل میریزد. در این معبد روحانی با همه عظمت مقیاس و نقوش چیزی فروگذار نشده و جای خدشه و نقصی باقی نمانده است. مشاهده این بنای مقدس انسان را در عالم بهت و تعجب میکشاند و در احساساتی روحانی غرقه میکند. اثرات روحانیت و ظرافت از هر کنگره این مسجد متراود و تأثیرات و احساسات وجد و سکون که اصول الوهیت و جمال است در قلب هر ذیروحی ایجاد مینماید.

قلم توانا و شیوای علیرضای عباسی بر گوشه و کنار مسجد کلمات الهی الهام نموده و بهترین نمونه صنعت خط را در عصر صفوی نشان میدهد. این استاد بزرگ اسم خود و تاریخ کتیبه را (مطابق ۱۰۶۱۸ م.) بر لوحه ای در گوشه چپ محراب بیادگار گذاشته و خود را محمد رضا بن استاد حسین اصفهانی معرفی میکند.

این استاد حسین شاید همان است که اسمش بر در ورودی مسجد هارون ولایت نیز مشاهده میشود زیرا بین کاشیهای این بنا و مسجد شیخ لطف الله شباهتی تام وجود دارد.